



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ریحانه

شهرستان اصفهان

عنوان:

« دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق علیه السلام »

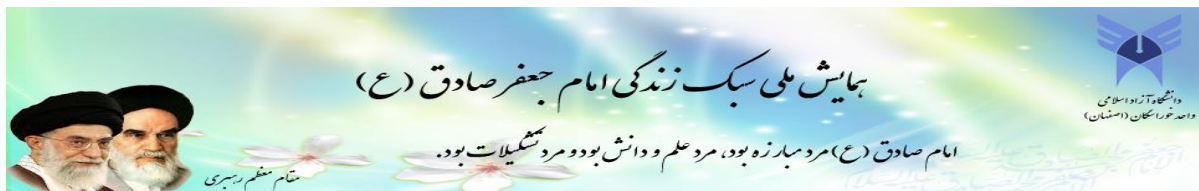
پژوهشگر: مریم عبادی زاده، پایه دوم

اصفهان - اتوبان شهید مفتح - حوزه علمیه ریحانه - تلفن: ۰۳۱۱۷۷۵۱۳۷۱

پائیز ۹۲



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.



دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع)

مریم عبادی زاده^۱

چکیده

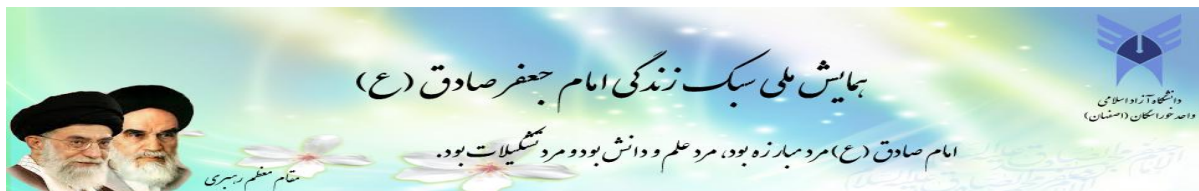
ما جعفری مذهبییم. ما شیعه مذهبییم.

نگاه به تاریخ زندگی ائمه معصوم و افسرگرای نیست، بلکه استوار ساختن قدمهاست، از آنچه پیش رو است و آینده نام دارد. در واقع با نگاه به تاریخ و زندگی ائمه، آنچه باعث توفیق آنان شده است را، امروز دوباره می توان به کار بست؛ چرا که پیشوایان معصوم، واجد شرایط رهبری بعد از پیامبر (ص) بوده اند و آنچه در شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی به کار بسته اند، قابل استفاده برای تمام عصرها و حکومت‌های اسلامی می باشد. از این روست که در این مقاله به کاوش در زندگی امام صادق (ع) پرداخته خواهد شد. آنچه در زندگانی این امام همام انتخاب شده است، تاسیس دانشگاه اسلامی توسط ایشان می باشد. هدف از بررسی چنین موضوعی، استفاده از مبانی اصلی در اداره اولین دانشگاه اسلامی است. زیرا که این دانشگاه اگرچه اولین دانشگاه است، اما ماندگارترین دانشگاه نیز می باشد و اگرچه تاسیس آن به قرن دوم هجری میرسد، اما همچنان پابرجا و استوار به تعلیم شاگردان خود ادامه می دهد. امید است آنچه در این تحقیق خواهد آمد را به کار بسته و بدین وسیله زمینه تداوم و اجرای مکتب پیامبر (ص)، در جامعه امروز فراهم آورده شود.

کلید واژگان

امام صادق (ع)، دانشگاه اسلامی، عظمت علمی امام صادق (ع).

^۱ حوزه علمیه ریحانه، شماره طلبگی: ۹۱۱۲۲۰۱۲۰۵، پایه دوم، اصفهان - بلوار کشاورز - کوی گلزار - کوچه گلشن - پلاک ۴۳، تلفن: ۷۸۰۳۵۷۰، همراه:



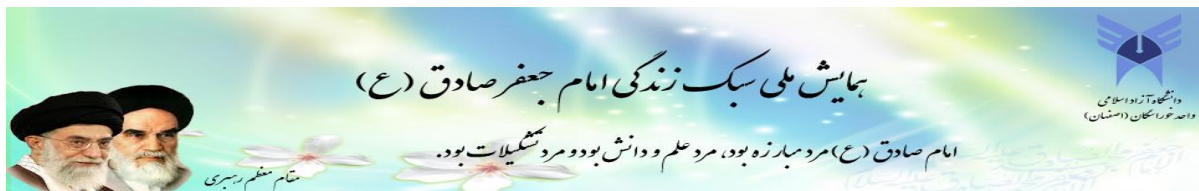
مقدمه

امامان(ع) در هر عصر، هر کدام با شرایط و وضع خاصی روبه رو بودند. امامی صلح را انتخاب میکردند، دیگری قیام راه، و امام دیگر با دعا و نیایش، پاسداری از دین را دنبال میکردند و گاه دیگر امام با تاسیس یک دانشگاه بزرگ علوم و معارف اسلامی، این کار را دنبال می نمودند. این اختلاف در انتخاب روش، آنهم در یک مجموعه واحد، ناشی از تفاوت در اوضاع موجود در جامعه آنروز بوده است و هرگز ناشی از تفاوت در اهداف امامان(ع) نبوده است. امام صادق(ع) نیز پیرو راه پیامبر(ع) و در جهت تداوم مکتب نبوی، مکتب جعفری را تاسیس نمودند. ایشان در این دانشگاه به تعلیم شاگردان بسیار زیادی اهتمام نموده اند. از آنجا که شیعیان قائل به عصمت امامان خود می باشند، پس آنچه را که ایشان در اعصار مختلف انجام داده اند را می توانند در تمام زمانها به کار برند. در این مقاله سعی شده است، آنچه امام صادق(ع) در زمینه تعلیم افراد به کار بسته اند، شناخته شود، تا بدین وسیله همه آن روشها، در جامعه امروز مورد استفاده قرار گیرند. بنابر این، پس از بیان مقدماتی از زندگانی امام صادق(ع)، به عصر سیاسی و فرهنگی زندگانی امام، عظمت علمی ایشان، نحوه و علت تاسیس دانشگاه جعفری و کلاسهای این دانشگاه و دروس به کارگرفته شده، شاگردان و پاره ای از دیگر جزئیات پرداخته خواهد شد.

این مقاله با روش کتابخانه ای گرد آوری شده و در گردآوری آن از منابع زیادی بهره گرفته شده است. از آن جمله می توان چند عنوان زیر را نام برد:

ترجمه جلد یازدهم بحارالانوار از محمد باقر مجلسی، آفتاب تشیع (نگرشی بر زندگانی رئیس مذهب تشیع حضرت امام جعفر صادق(ع)) از امیر حسن احمدی، تاریخ انبیا و تاریخ چهارده معصوم(ع) از فرخ صدیقی، الامام جعفر الصادق(ع) از احمد مغنیه، صادق آل محمد(ص) از محمود منشی و ...

لازم به ذکر است که تمامی منابع مذکور، در زمینه زندگانی امام صادق(ع)، اهتمام نموده اند.



۱. طلوع فجر

حضرت امام جعفر صادق (ع) در هفدهم ربیع الاول سال هشتاد و سه هجری در مدینه منوره تولد یافتند.^۱ پدر ارجمندشان حضرت محمد بن علی الباقر (ع) و مادر گران قدر ایشان «ام فروه» دختر «قاسم بن محمد ابی بکر» بودند.^۲ امام (ع) خود درباره‌ی مادرشان فرموده بودند: «مادرم از بانوان پرهیزکار و با ایمان و نیکوکار بود». ^۳ برای پی بردن به مقام دانش ایشان به نقل یک مورد بسنده می‌کنیم: شخصی به نام «عبدالاعلی» می‌گوید: «ام فروه را دیدم که در اطراف خانه‌ی کعبه طواف می‌کرد و لباسی پوشیده بود که کسی او را نشناسد. هنگامی که خواست دست خود را روی حجرالاسود بگذارد، دست چپ را روی سنگ گذاشت. مردی (که به نظر می‌رسد از عامه بوده) به او گفت: دست چپ را روی سنگ گذاشتن برخلاف سنت است و تو اشتباه کردی. ام فروه گفت: لازم نیست تو چیزی به ما بیاموزی، چرا که ما از دانش شما بی‌نیاز هستیم». بنابراین مادر بزرگوار حضرت امام صادق (ع) نیز از موقعیت علمی والایی که از خاندان وحی و رسالت فراگرفته بود، برخوردار بودند.^۴

امام جعفر صادق (ع) از زمان کودکی هوش و ذکاوتی خارق‌العاده داشتند. به طوری که حضرت محمد باقر (ع) و ام فروه این کودک را در دو سالگی از لحاظ تدریس مورد توجه قرار داده و مشترکاً به وی درس و تعلیم می‌دادند.^۵ امام طفلی بودند که با مصائب روزگار بزرگ می‌شدند. آری طفولیت ایشان بسیار جانگداز و افسردگی دوره‌ی صباوتشان زیاد و در نهایت تلخی گذشت. یادبود خون حسین بن علی (ع) و فرزندان و آل ایشان و اسیران اهل بیت رسول (ص) آن خانواده را در غم و اندوه و غصه‌ی فراوان و اشک حسرت دائم گذارده بود. ایشان تا حدود پانزده سالگی تحت نظر جدشان زین‌العابدین علی بن الحسین (ع) و پدرشان بودند و بین آن دو خورشید جهان تاب وارد

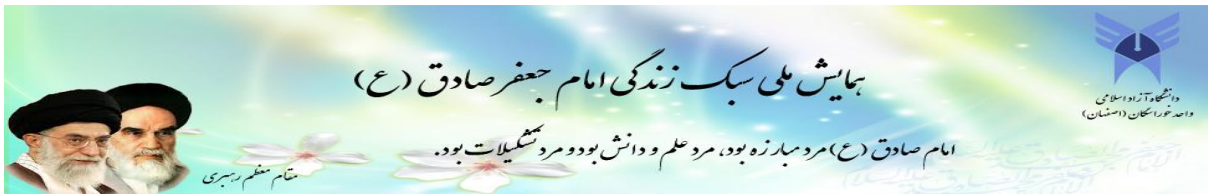
۱. امیر حسن احمدی، (۱۳۸۴)، آفتاب تشیع (نگرشی بر زندگانی رئیس مذهب تشیع حضرت امام جعفر صادق (ع))، سرزمین باران، ص ۱۲.

۲. امیر حسن احمدی، (۱۳۸۴)، آفتاب تشیع (نگرشی بر زندگانی رئیس مذهب تشیع حضرت امام جعفر صادق (ع))، ص ۱۸.

۳. مهدی رحیمی و عبدالله طاهر خوانی، (۱۳۸۵)، برگزیدگان، جلد ۲، واحد کودکان و نوجوانان بنیاد بعثت، ص ۱۵.

۴. نور الله علیدوست خراسانی، (۱۳۷۸)، پرتویی از زندگانی امام صادق (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۴-۲۵.

۵. فرخ صدیقی، (۱۳۸۶)، تاریخ انبیا و تاریخ چهارده معصوم (ع)، نقش نگین، ص ۱۴۴.



اجتماع گردیدند. این نوجوان عزیز از هر دو آن وجود مبارک استفاده‌های شایانی نموده و به درجه‌ای که سینه‌ی پیرمردان و مردان کامل، استعداد ضبط آن همه علوم و اطلاعات را نداشت، نایل آمدند. این جوان بزرگوار نوزده سال دیگر از سنین عمر شریف خود را بعد از وفات جدشان با پدر عظیم‌الشان خود امام باقر(ع) گذرانیدند و آن پدر بزرگوار علوم دین و شئون دنیا و زندگی را به او آموختند تا او را به حد اعلای دانش رسانیدند.^۱

۲. نامها و القاب امام صادق(ع)

ثمالی از حضرت علی بن الحسین(ع) و ایشان از پدرش و جدش نقل کردند، که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: « وقتی پسرم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب متولد شد، لقب او را صادق بگذارید در آینده از فرزندانش یک نفر هم نام او ادعای امامت بدون حق می‌کند او کذاب است (جعفر کذاب) ». ^۲

« ابوخالد گفت: به حضرت علی بن الحسین(ع) عرض کردم: امام بعد از شما کیست؟ فرمودند: فرزندم محمد که دانش را می‌شکافد. پس از او فرزندش جعفر است. نام او نزد ساکنان آسمان صادق است. عرض کردم: به چه علت اسم او صادق شد؟ فرمودند: چون پنجمین فرزندش بنام جعفر به دروغ ادعای امامت می‌کند او در نزد خدا جعفر کذاب است که بر خداوند دروغ می‌بندد، در این موقع اشکهای امام جاری شده و فرمودند: مثل اینکه می‌بینم همان جعفر کذاب خلیفه ستمگر زمان را وادار می‌کند که به جستجوی ولی خدا و امام غائب که خدا حافظ اوست برآیند، همانطور نیز شد. ^۳

رسول خدا (ص)، آن حضرت را ملقب به صادق(ع) نمودند و فرمودند: «از صلب [امام] محمد باقر کلمه ی حق و لسان صدق خارج خواهد گردید، سپس عبدالله مسعود پرسید: ای رسول خدا، نام او چیست؟ رسول خدا(ص) فرمودند: نام او جعفر است و او در گفتار و عمل صادق می‌باشد و هر که به او توهین کند مانند آن است که به من توهین نموده باشد و هر که امامت او را رد کند، پیامبری مرا رد نموده است. ^۴

^۱ احمد مغنیه، الإمام جعفر الصادق، مترجم: سید جعفر غضبان، چاپخانه خاور، ص ۶۵-۶۶.

^۲ محمد باقر مجلسی، (۱۳۷۷)، ترجمه جلد یازدهم بحارالانوار(در زندگانی: حضرت امام جعفر صادق)، مترجم: موسی خسروی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ص ۹.

^۳ محمد باقر مجلسی، (۱۳۷۷)، ترجمه جلد یازدهم بحارالانوار، ص ۹.

^۴ محمد حسین مظفر، (۱۳۸۶)، امام صادق(ع)، جلد ۲، مترجم: سید محمد حسینی بهارنچی، عطر عترت، ص ۴۱۷-۴۱۸.



از کنیه‌های شریف ایشان: اباعبدالله، اباسماعیل و ابوموسی بود، که مشهورترین آنها اباعبدالله است. آن جناب، القاب بسیاری نیز داشتند که از آن جمله «صادق»، «فاضل»، «طاهر»، «کافل»، «منجی» از همه برجسته‌ترند.^۱

۳. عصر سیاسی امام صادق (ع)

۱،۳. خلفاء هم عصر امام صادق (ع)

از میان خلفای اموی:

۱. هشام بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۰۵ ه ق)،
۲. ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۶ - ۱۲۵ ه ق)،
۳. یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶ ه ق)،
۴. ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶ ه ق)،
۵. مروان بن محمد مشهور به مروان حمار (۱۳۲ - ۱۲۶ ه ق)،

و از میان خلفای عباسی نیز:

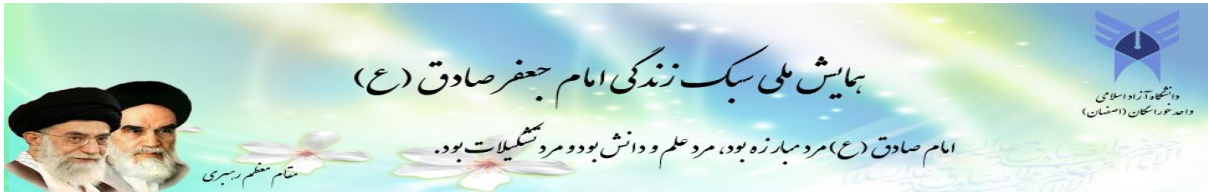
۱. عبدالله بن محمد مشهور به سفاح (۱۳۷ - ۱۳۲ ه ق)،
۲. ابوجعفر مشهور به منصور دوانیقی (۱۵۸ - ۱۳۷).^۲

۲،۳. عصر امام صادق (ع) از لحاظ سیاسی و حکومتی

عصر امام صادق (ع) یکی از طوفانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام است، اغتشاش‌ها و انقلابهای پیاپی گروههای مختلف، به ویژه از طرف خونخواهان امام حسین (ع) و انقلاب «ابوسلمه» در کوفه و «ابومسلم» در خراسان و ایران باعث شد تا حکومت شوم بنی‌امیه بر افتد و مردم از یوغ ستم و بیداد آنها رهائی یابند. در این میان بنی‌عباس با توطئه، بناحق از انقلاب بهره گرفت و حکومت و خلافت را تصاحب نمود. دوره انتقال حکومت هزار ماهه‌ی بنی‌امیه به

^۱ امیر حسن احمدی، (۱۳۸۴)، آفتاب تشیع (نگرشی بر زندگانی رئیس مذهب تشیع حضرت امام جعفر صادق (ع))، ص ۱۸.

^۲ سید محمد علوی، (۱۳۸۸)، زندگانی چهارده معصوم (ع)، انتشارات نغمات، ص ۴۰۷-۴۰۸.



بنی عباس طوفانی ترین و پر هرج و مرج ترین دورانی بود که زندگی امام صادق (ع) را فرا گرفته بود. از دیگر سو، عصر آن حضرت، عصر برخورد مکتبها و ایده‌نولوژی‌ها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود که در نتیجه برخورد ملت‌های اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج، به وجود آمده بود. عصری که کوچکترین کم کاری یا عدم بیداری و تحرک پاسدار راستین اسلام، یعنی امام (ع)، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات بخش اسلام، هم از درون و هم از بیرون می‌شد. پیشوای ششم در گیر و دار چنین بحرانی می‌بایست از یک سو به فکر نجات افکار توده‌ی مسلمانان از الحاد و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد، و از توجیحات غلط و وارونه‌ی دستورات دین به وسیله‌ی خلفای وقت، جلوگیری کند. علاوه بر این، با نقشه‌ای دقیق و ماهرانه، شیعه را از اضمحلال و نابودی برهاند، شیعه‌ای که در خفقان و شکنجه‌ی حکومت پیشین، آخرین رمقها را می‌گذراند. آری، شیعه می‌رفت که نابود شود، یعنی اسلام راستین به رنگ خلفا درآید، و به صورت اسلام بنی‌امیه‌ای یا بنی‌عباسی خودنمایی کند. در چنین شرایط دشواری، امام صادق (ع) دست همت به کمر زدند و به احیاء و بازسازی معارف اسلامی پرداختند و مکتب علمی عظیمی به وجود آوردند که محصول و بازده آن، چهار هزار شاگرد متخصص در رشته‌های گوناگون علوم بود، و اینان در سراسر کشور پهناور اسلامی آن روز پخش شدند. بدین سان نوسازی و احیاگری تعلیمات اسلامی، سبب شد که امام صادق (ع) به عنوان رئیس مذهب جعفری (تشیع) مشهور گردد. لیکن طولی نکشید که بنی‌عباس پس از تحکیم پایه‌های حکومت و نفوذ خود، همان شیوه‌ی ستم و فشار بنی‌امیه را پیش گرفتند و حتی از آنان هم گوی سبقت را ربودند. امام صادق (ع) همواره مبارزی خستگی ناپذیر و انقلابی بودند و در میدان فکر و عمل، کاری که امام حسین (ع) به صورت قیام خونین انجام دادند، ایشان در لباس تدریس و تأسیس مکتب و انسان سازی انجام دادند و به راستی که جهادی راستین کردند.^۱

۴. دانشگاه اسلامی امام جعفر صادق (ع)

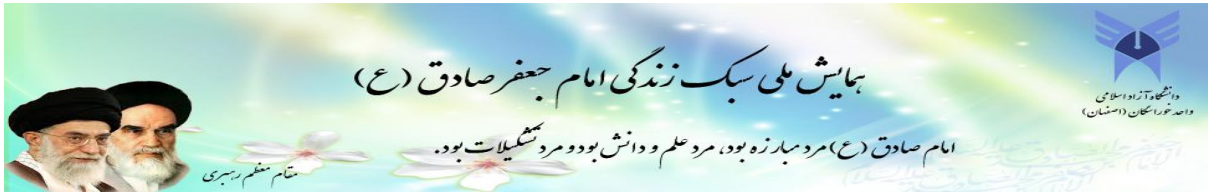
۴.۱. استاد بزرگ دانشگاه اسلام، امام صادق (ع) و عظمت علمی ایشان

«و هر چیز را فراهم کردیم، در پیشوایی آشکار».^۲

– «قال جعفر بن محمد... قال جعفر الصادق...»

^۱ احمد احمدی بیرجندی، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۵۸-۱۶۱.

^۲ قرآن کریم، سوره یاسین، آیه ۱۱.



به روزگاری که نهضت علوم و معارف، پهنه‌ی اقالیم اسلامی را فرا گرفته بود، بر سراسر حلقه‌های علمی و حوزه‌های تدریس، نامی بلند حکومت می‌کرد:

- «جعفر بن محمد» چنین گفت.... «جعفر صادق» چنین گفت....

«جعفر بن محمد» که بود؟

آموزگاری بزرگ که سخن وی در زمینه‌ی هر دانشی حجت بود و آوازه‌ی فضیلت او پس از وی نیز، همچنان با سیر در قرون در زیر گنبد گیتی پیچیده است.^۱

هیچ چیزی در عالم زندگی، برای فرد و جمع بیش از علم مورد احتیاج نیست. با دانش می‌توان به تمام اسرار وجود راه یافت و با علم می‌توان بر کلیه موجودات عالم و عناصر وجود و موالید عالم طبع، دست احاطه و تسلط انداخت و فاقد علم از همه مزایای زندگی محروم است. در قرآن و حدیث بیش از هر چیز توجه به علم و آموختن شده و مدت علم آموزی را از گهواره تا گور دانسته اند. علم دین را باید از مکتب ربوبی به وسیله نبی و وصی فراگرفت و ادیان آسمانی، از لحاظ علم و فضیلت و قانون گذاری بسیار استوار هستند.^۲ اسلام با دارا بودن دو ویژگی، و شناخت کامل و جامع، انسان را به مقصود و هدف نهایی اش رهنمون می‌سازد. به این معنا که اسلام به عنوان یک مکتب برای راهنمایی و رساندن انسان به کمال و پاسخگویی به همه‌ی نیازهای او، دارای چنان توانایی و کششی است، که بتواند به تمام نیازها پاسخ مناسب و راستین ارایه دهد و این در حالی است که تمام مناسبات زمانی، مکانی و بالندگی جامعه و انسان را در نظر می‌گیرد.^۳

پس از امیرالمؤمنین(ع) فرصتی برای نشر علم نشد، تا زمان امام سجاد(ع) که گامهای نخست برای احیای قرآن و سنت پیامبر(ص) برداشته شد. در این زمان امام سجاد(ع) مردمی را که بر اثر دور ماندن از حقایق اسلام در جهل فرو رفته بودند را، با اندک یاران خود و با فعالیتی آرام و مخفی تحت تعلیم و تربیت قرار دادند.^۴ در زمان حضرت امام محمد باقر(ع)، زمینه حاضر شد تا افکار عمومی به قلم و دانش جلب گردد.^۵ امام محمد باقر(ع) از موقعیت زمان و از فرصت مناسب عصر استفاده کردند. و جوانانی را که لوح خاطرشان آماده فراگرفتن دانش بود دعوت

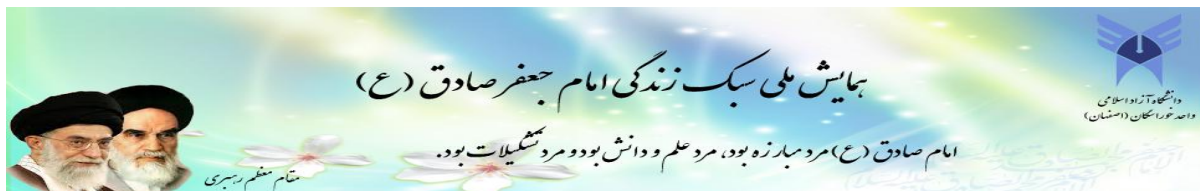
۱. محمود منشی، (۱۳۵۷)، صادق آل محمد(ص)، اشرفی، ص ۱۴۸.

۲. حسین عمادزاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم(ع)، جلد ۲، مکتب قرآن، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳. خلیل منصوری، امام صادق(ع) و اولویت جهاد فرهنگی، برگرفته از: ماهنامه کوش، شماره ۴۰.

۴. علی رفیعی، (۱۳۸۳)، تاریخ اسلام در عصر امام صادق(ع) و امام کاظم(ع)، انتشارات تحسین، ص ۷۳.

۵. حسین عمادزاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم(ع)، جلد ۲، ص ۲۵۴-۲۵۵.



کردند و شروع به تدریس و تربیت و تعلیم آنان فرمودند، تا در مکتب باقرالعلوم (ع) به کسب علم و دانش و رشد عقلی برسند و دامنه علم و کمال خویش را گسترش دهند.^۱

در ادامه این راه بس دشوار، پس از امام محمد باقر (ع)، حضرت صادق (ع) مکتب جعفری را گشودند و حقایق علمی را به مردم آموختند و آن درجات و مقام روحانی و دقایق لطیفه معنوی را که مولود و محصول علم و دانش است به مسلمین ارائه دادند.^۲

به وجود آمدن چنین نهضت علمی، در محیط آشفته و تاریک آن عصر، کار هر کسی نبود، فقط کسی شایسته‌ی این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی بدست آورد، و در دسترس استفاده‌ی گوهر شناسان حقیقت قرار دهد. تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانستند چنین مقامی داشته باشند.^۳ در مورد عظمت علمی امام صادق (ع) احادیث زیادی وجود دارد. از آن جمله: علاء بن سیابه می‌گوید، امام صادق (ع) فرمودند: «من آگاهم از آنچه در آسمانها و زمین است و آنچه در بهشت و جهنم است، و من آگاهم به گذشته و به آینده تا روز قیامت. سپس ادامه دادند: این علم را از قرآن می‌دانم، به قرآن تسلط دارم، چون تسلط بر کف دستم. خداوند متعال در قرآن فرموده است که: قرآن بیان کننده‌ی همه چیز است».^۴ صفوان بن عیسی می‌گوید: «امام صادق (ع) فرمودند: من علم اولین و آخرین را می‌دانم، می‌دانم آنچه در صلب پدرها و رحم مادرها است».^۵

تنها امام صادق (ع) بودند که با کناره گیری از سیاست و جنجالهای سیاسی از آغاز امامت در نشر معارف اسلام و گسترش قوانین و احادیث راستین دین مبین و تبلیغ احکام و تعلیم و تربیت مسلمانان کمر همت بستند. زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود که هر یک مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند و در «خودشناسی» و «خداشناسی» مانند استاد بزرگ و امام بزرگوار خود در هدایت مردم کوشیدند.^۶

۱. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۳، گنجینه محمد، ص ۴۶۸.

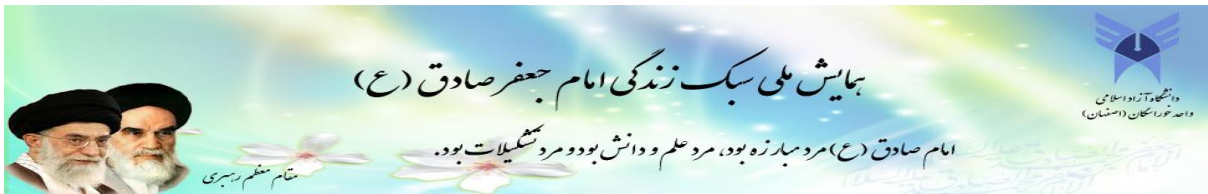
۲. حسین عمادزاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم (ع)، جلد ۲، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.

۳. احمد احمدی بیرجندی، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص ۱۶۱ - ۱۶۲.

۴. حسین مظاهری، (۱۳۸۵)، زندگانی چهارده معصوم (ع)، پیام آزادی، ص ۱۱۱.

۵. حسین مظاهری، (۱۳۸۵)، زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص ۱۱۱.

۶. احمد احمدی بیرجندی، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص ۱۶۱ - ۱۶۲.



روزگار امام جعفر صادق (ع) از یک طرف به منزله‌ی عصر رشد و شکوفایی علمی و شکل‌گیری تمدن اسلامی در زمینه‌های فرهنگی و فکری و از طرف دیگر به مثابه‌ی تبادل اطلاعات، عقاید و دانش‌ها با دیگر ملل و امت‌ها بود. در زمان ایشان «ترجمه» رشد قابل توجهی یافت و بسیاری از علوم، دانش و فلسفه‌های فکری از زبان‌های خارجی به عربی ترجمه شد. مسلمانان با استقبال از این علوم و دانش‌ها، به آنان روی آوردند، و آن‌ها را مورد بررسی و موشکافی قرار دادند و چیزهایی به آنها اضافه کردند. در نتیجه مبانی و اصول این علوم را قوی ساختند و دایره‌ی شمول آن‌ها را توسعه دادند. بنابراین یک جنبش علمی و فکری در جامعه‌ی اسلامی به وجود آمد که بسیار فعال بود.^۱

امام صادق (ع) در درس سبک خاص خود را داشتند، که تمام طبقات مختلف از جمله: عالم و عامی، خورد و کلان، زن و مرد، وضع و شریف، سیاه و سفید، خواجه و بنده را شامل میشد، به طوری که یکی از بزرگان می‌نویسد: «باید لقب بزرگترین انسان را به امام ششم داد. زیرا در سایه انسانیت، تمام طبقات را به فضیلت علمی خود مستفیض و مستفید می‌داشت».^۲

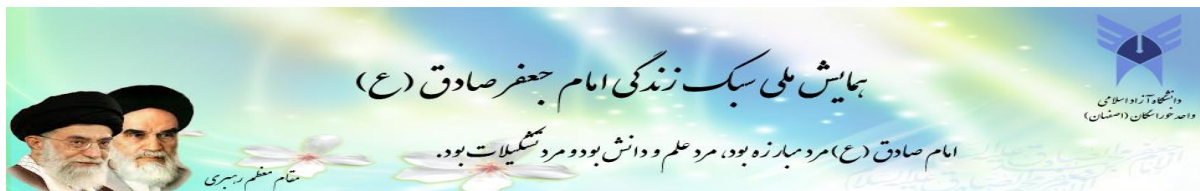
امام صادق (ع) منبع همه‌ی علوم بودند و به طریقت توحید تدریس می نمودند. وجود مبارک امام صادق (ع) همچون اشعه‌ای درخشان در محیطی تاریک و پر آشوب پرتو افکن گردید و همانطور که نور، پرده سیاه را می‌برد و کنار می‌زند، امام صادق (ع) با افاضات علمی خود پرده‌های اوهام و افکار پلید و سخیف شرک و کفر و زندقه و الحاد و انحراف و اعوجاج را یکی یکی پشت سرهم کنار زده و محیطی روشن و پرتو افکن و مدرسه‌ای حیات بخش و فرح‌انگیز به وجود آوردند، که دامنه آن تا امروز همچنان ادامه دارد.^۳

امام صادق (ع) در بحثها اجازه آزادی و اظهار عقیده، حتی عقاید متعصبانه و غرض‌آلود را می‌دادند؛ دیگران را به سؤال کردن تشویق می‌کردند و از این که گره و نکته‌ای در ذهن آنان مبهم باقی بماند، جلوگیری می‌نمودند. ایشان به جای بحث‌های پیچیده و استفاده از اصطلاحات [مشکل علمی]، با آوردن نمونه‌های تجربی و تمثیلی و نیز ارائه‌ی استدلال منطقی به پاسخ دادن می‌پرداختند. از نمونه این بحثها می‌توان، بحث امام صادق (ع) را با ابن

۱. جمعی از عالمان لبنان، (۱۳۸۳)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، عابد، ص ۴۲.

۲. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۲، گنجینه محمد، ص ۷-۸.

۳. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۲، ص ۷-۸.



ابی العوجا ذکر نمود. این شیوه امام صادق(ع) در بحث کردن، ابن ابی العوجا را به تمجید از امام واداشت و او به عقل و متانت و سخنان معجزه آسای آن حضرت اعتراف کرد.^۱

در این میان، برنامه‌ی انقلابی و عمیق امام صادق(ع)، آن هم در جامعه‌ی منحنی که سالیان دراز در جهت تباہ‌سازی، ویرانگری و انحراف آن فعالیت شده بود، تاکتیکهای دقیق و آمادگیهایی اساسی لازم داشت.^۲ بنابراین، جنبش امام صادق(ع) در برنامه‌ریزی و هدف نهائی بر دو حقیقت استوار بود:

۱. بنیاد افکندن پایگاه‌های مردمی و تمرکز دادن بنای داخلی آن و نظارت در حدود رابطه‌ی مخصوص ایشان و پیروانشان، چندان که بتوانند آن را پایگاه مرکزی قرار دهند و از خلال آن، پایگاه مزبور را تا داخل صفوف امت ادامه بخشند.

۲. به دست آوردن اطمینان و اعتماد امت به جنبش امام(ع). بنابراین هر چند هدف بزرگ و والا باشد، راهی به توفیق ندارد مگر این که از سوی مردم پشتیبانی شود.^۳

۲.۴. تاسیس دانشگاه امام صادق(ع)

از اوایل قرن دوم هجری در مدینه طیبه مکتبی گشایش یافت که به سبب دارا بودن فنون مختلفه و داشتن سبک کلاسیک، آن را اولین دانشگاه اسلامی نامیده اند.^۴ البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که اولین دانشگاه در مکه بوده چرا که، تعلیم و تعلم از زمان خود پیغمبر(ص)، به صورت تفسیر آیات قرآن توسط خود ایشان و احادیث نبوی در غیاب آن حضرت وجود داشته است. اما از آنجا که منظور از دانشگاه نوع خاصی از آن است، ما نیز اولین دانشگاه اسلامی را در مدینه و توسط امام صادق(ع) در نظر میگیریم. پس از آن کوفه و بصره و بغداد و اندلس و اشبیلیه و غرناطه و مصر و افریقیه و فارس و خراسان و عراق یکی پس از دیگری مدرسه‌ها و مسجدهایی ساختند.^۵ البته مدارس دیگری نیز ایجاد شدند. از جمله: همه روزه کاروانهائی از نقاط مختلف برای دیدار امام صادق(ع) و استفاده از آن حضرت به مدینه می‌آمدند و همین توجه قلبی مردم، منصور را به وحشت می‌انداخت. منصور نمی‌توانست دانشگاه امام صادق(ع) را برای مقاصد سیاسی خود، آلت دست قرار دهد و یا آن را به همکاری با خود

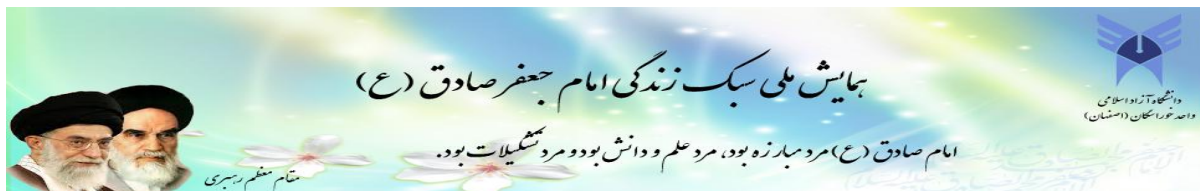
^۱ طاهره عظیم زاده طهرانی، ابن ابی العوجا و امام صادق(ع).

^۲ سید علی حسینی خامنه ای، (۱۳۸۵)، پیشوای صادق، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ص ۱۹.

^۳ عادل ادیب، (۱۳۶۱)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، مترجم: اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۸۸-۱۸۹.

^۴ حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیرحضرت امام جعفر صادق(ع)، جلد ۲، ص ۱۹۹.

^۵ حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیرحضرت امام جعفر صادق(ع)، جلد ۲، ص ۹۵.



و ادار نماید. این مدرسه از روز نخست مبارزه با ستمکاران سرلوحه‌ی تعالیم خود قرار داده بود. همین امر باعث آن شد که «منصور دوانیقی»، تمام نیروهای خود را برای درهم کوبیدن و نابود کردن امام صادق (ع) و دانشگاه او بسیج نماید.^۱ بنابراین همزمان با نهضت علمی و پیشرفت دانش به وسیله‌ی حضرت صادق (ع) در مدینه، منصور، به فکر ایجاد مکتب دیگری افتاد که هم بتواند در برابر مکتب جعفری استقلال علمی داشته باشد و هم مردم را سرگرم نماید و از خوشه‌چینی از محضر امام (ع) باز دارد. بدین جهت منصور مدرسه‌ای در محله‌ی «کرخ» بغداد تأسیس نمود. منصور در این مدرسه از وجود ابوحنیفه در مسائل فقهی استفاده نمود و کتب علمی و فلسفی را هم دستور داد از هند و یونان آوردند و ترجمه نمودند، و نیز مالک را - که رئیس فرقه‌ی مالکی است - بر مسند فقه نشانند، ولی این مکتب‌ها نتوانستند وظیفه‌ی ارشاد خود را چنانکه باید انجام دهند.^۲

این که ما از مدرسه‌ی امام صادق (ع) صحبت می‌کنیم، بدان معنا نیست که امام (ع) تنها مجتهد بودند و نظر اجتهادی داشتند، بلکه بدان معنا است که ایشان واسطه‌ای بودند که رسالت اهل بیت (ع) و روایت‌های آن را به نسل‌های بعدی منتقل کنند و از این طریق خود مسلمانان فتواها را از آن‌ها استنباط نمایند و بر این علوم اعتماد کنند.^۳ و نیز هدف امام (ع) در آن زمان، در پشت روش علنی و ظهور فعالیت علمی و فکری ایشان، چاره‌ی جهل امت از جهت عقیده به مکتب و نظام بود، و ایستادگی در برابر امواج کفرآمیز و شبهه‌های گمراه کننده و حل مشکل‌هایی که از تأثیر انحراف ناشی شده بودند.^۴ مدرسه‌ی ایشان و برنامه‌های آن، امتداد حرکت پیامبر (ص) بود و تلاشی در جهت کشف اسرار وحی قرآن و مضامین آن بود. امام صادق (ع) اهداف زیر را دنبال می نمودند:

۱. حمایت از عقیده توحید و جلوگیری از انحرافات در آن

۲. فعالیت‌های فرهنگی و علمی به جهت گسترش اسلام^۵

در زمان امام صادق (ع) فکر و اندیشه و مباحث علمی رشد و افری یافتند و مسلمانان در زمینه‌های پزشکی، ستاره‌شناسی، شیمی، فیزیک، ریاضیات و بسیاری دیگر از علوم و دانش‌ها وارد شدند. همین طور فلسفه، منطق، اصول اندیشه و اعتقادات از یونانی، فارسی و دیگر زبان‌ها به عربی ترجمه شد و مسلمانان با شیوه‌ی جدیدی از تفکر، عقیده و فلسفه آشنا شدند. این تهاجم و تبادل مواهب تمدن، اثری بر جامعه‌ی اسلامی نگذاشت مگر در

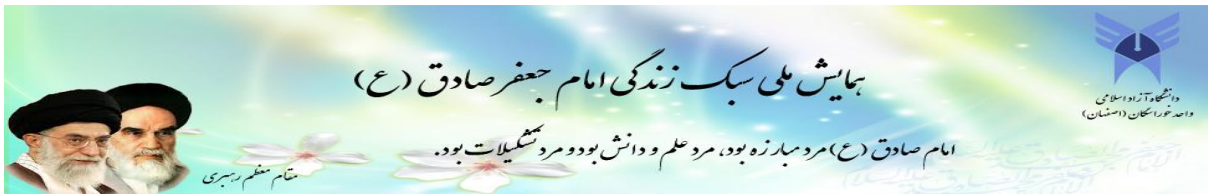
۱. سید محمد حسن موسوی کاشانی، (۱۳۷۹)، بر امام صادق (ع) چه گذشت؟، دارالکتب الاسلامیه، ص ۹۹-۱۰۰.

۲. احمد احمدی بیرجندی، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۳. جمعی از عالمان لبنان، (۱۳۸۳)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، ص ۵۰.

۴. عادل ادیب، (۱۳۶۱)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، مترجم: اسدالله مبشری، ص ۱۹۱.

۵. جمعی از عالمان لبنان، (۱۳۸۳)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، ص ۵۰.



اندیشه و اعتقادات اسلامی؛ که جریانی از شرک و الحاد در جامعه‌ی اسلامی ایجاد کرد و گروه‌های مختلف نظریاتی و کلامی نامناسب به وجود آورد، که رویارویی علمی و عقیدتی در خور توجه اسلام را برانگیخت. اسلام توانست بعد از یک مبارزه‌ی طولانی، هجوم آن را متوقف و بی‌اساس بودن آن را ثابت کند. در کنار این تبادل افکار و عقاید و مواهب تمدن، جامعه‌ی اسلامی در زمان امام صادق(ع) شاهد رشد و پیش‌رفت بزرگی شد و مسائل جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شد که برای تعیین موضع‌گیری اسلامی درباره‌ی آن‌ها به تفسیر شریعت نیاز بود. در نتیجه نظریات و مذاهب فقهی به وجود آمد.^۱

دانشگاه امام جعفر صادق(ع) در حقیقت پایگاه حقیقی اسلام بود و سبب شد، حضرت در جهان به نام رییس مذهب شیعه یعنی مذهب آل محمد(ص) شناخته شود.^۲ مذهب امام صادق(ع) را بدان جهت مذهب جعفری گذاشته‌اند که به ایشان منتسب می‌شود. شیعیان به ایشان و به امامان و پدران و فرزندانشان اقتدا می‌کنند. این مذهب به نام مذهب دوازده امامی نیز معروف است که دوازده امام طاهر از سلاله‌ی اهل بیت پیامبر(ص) را شامل می‌شود. شیعه، قرآن و سنت را دو منبع مهم شریعت می‌داند؛ هر چند که به عقل و اجماع فقیهان و نقش ثانویه در استنباط احکام اهمیت می‌دهند، اما بهتر آن است که کارها بر اساس انطباق با قرآن و سنت انجام شود و به خروج از آن‌ها اجبار نگردد. مذهب جعفری به گشایش باب اجتهاد و استنباط [احکام] اعتقاد دارد و در این میان عالمان، فیلسوفان، و فقیهان شیعه‌ی جعفری در غنی ساختن فکر اسلامی و مؤثر کردن احکام شریعت و دفاع از آن سهم بزرگی داشتند.^۳

مدرسه تاسیس شده توسط امام صادق(ع)، یک مخزن و منبع علمی و یک کانون ثروت و مکتب دانش و بینش بود که افراد بزرگ و دانشمندان سترک و کثیری را به سوی خود جلب کرد، جاحظ در مورد امام می‌گوید: «امام صادق (ع) چشمه‌های دانش و حکمت را در روی زمین شکافت و برای مردم دره‌هایی از دانش گشود که پیش از او معهود نبود و جهان از دانش وی سرشار گردید».^۴ ابوزهره می‌نویسد: « علمای اسلام با تمام اختلاف نظرها و تعدد مشرب‌هایشان، در فردی غیر از امام صادق(ع) و علم او اتفاق نظر ندارند». از این رو، بزرگان اهل سنت همچون ابوحنیفه برای شاگردی در محضر حضرت حاضر می‌شدند و به این افتخار می‌بالیدند.^۵ به طوری که ابوحنیفه می‌گوید: « اگر من دو سال جعفر بن محمد را درک نکرده بودم هلاک می‌شدم. یعنی هم به لغزش و اشتباه علمی

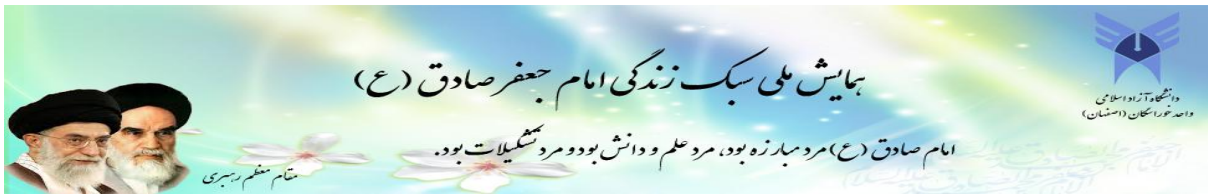
^۱ جمعی از عالمان لبنان، (۱۳۸۳)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق(ع)، ص ۴۲-۴۳.

^۲ سید جواد میر عظیمی، (۱۳۸۰)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق(ع)، مجمع متوسلین به آل محمد (علیهم السلام)، ص ۱۰۹.

^۳ جمعی از عالمان لبنان، (۱۳۸۳)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق(ع)، ص ۵۳-۵۴.

^۴ عادل ادیب، (۱۳۶۱)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، مترجم: اسدالله مبشری، ص ۱۹۱.

^۵ مهدی لطفی، امام صادق(ع) از دیدگاه اهل سنت، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ص ۴۲.



درمانده و هم دیگران در فضیلت علمی از من پیش قدم می شدند و من مستهلک در صف علمای معاصر می گشتم»^۱.
 وی در جایی دیگر در مورد امام صادق (ع) می گوید: « من فقیه تر از جعفر الصادق کسی را ندیده ام و نمی شناسم»^۲.
 مالک ابن انس، سفیان ثوری، سفیان بن عینه، یحیی بن سعید انصاری، یحیی بن سعید القطان، ایوب سجستانی و دیگر بزرگان اهل سنت نیز در محضر حضرت گرد می آمدند و از خرمن دانش ایشان بهره مند می شدند.^۳

برتری مکتب امام جعفر صادق (ع) نسبت به مکاتب دیگر و دانشگاههای امروزی و یا گذشته به این دلیل است که مکتب امام صادق (ع) در آزادی عقیده و اندیشه دارای روش خاصی بوده است.^۴ در آموزش و پرورش امام ششم اشتباهات و خطیئات وجود نداشت، بلکه حکما و علمای بعدی هم اشتباهات قدما را از روی تعلیمات امام صادق (ع) اصلاح نمودند.^۵

امام صادق (ع) تأکید داشتند که درس هایشان نوشته شود تا برای نسل آینده ذخیره گردد. وی به شاگردان خود می فرمودند: « احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیهما؛ نوشته ها و کتابهای خود را محفوظ نگاه دارید، زیرا در آینده به آنها نیاز پیدا می کنید».^۶ مفضل نقل می کند که امام صادق (ع) به من فرمودند: « اکتب و بث علمک فی اخوانک فان مت فاورث کتیبک ببینیک فانه یأتی علی الناس زمان هرج لا یأسون فی الا بکتبکم؛ بنویس و علمت را در میان برادرانت منتشر ساز و چون مرگ تو فرا رسد آنها را برای پسرانت ارث بگذار، زیرا زمانی بی سامان و پراشوب فرا می رسد که در آن زمان مردم جز با کتابهای شما انس نگیرند».^۷

۳,۴. دروس دانشگاه امام صادق (ع)

حکمت سرحلقه همه علوم است و کلیه علوم از این علم سرچشمه گرفته است. آنچه بشر درباره ی آن فکر می کند و می فهمد و درک می نماید که به نام علم و کشف نامیده شده یا در ماده است یا بین ماده و معنی است یا به کلی از ماده دور است و به تصور عقل باید ادراک و تجزیه و تحلیل گردد. اولی را علوم طبیعی و اسفل و دومی را علوم

۱. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۱، گنجینه محمد، ص ۱۹۹.

۲. احمد احمدی بیرجندی، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص ۱۶۳.

۳. مهدی لطفی، امام صادق (ع) از دیدگاه اهل سنت، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ص ۴۲.

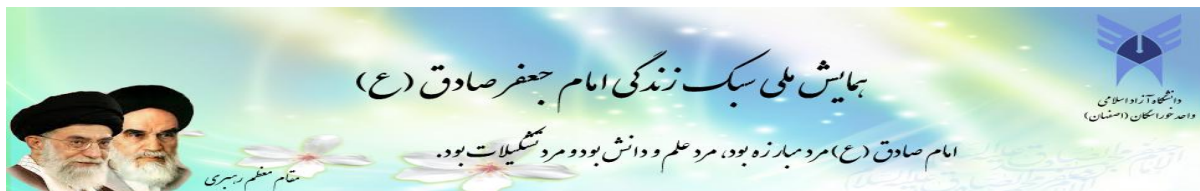
۴. سید جواد میر عظیمی، (۱۳۸۰)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، ص ۱۱۱.

۵. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۳.

۶. محمد باقر مدرس بستان آبادی، (۱۳۸۵)، خانه های مازون در شرح حال چهارده معصوم (ع)، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه

انتشارات امیرکبیر، ص ۲۱۹.

۷. محمد باقر مدرس بستان آبادی، (۱۳۸۵)، خانه های مازون در شرح حال چهارده معصوم (ع)، ص ۲۱۹.



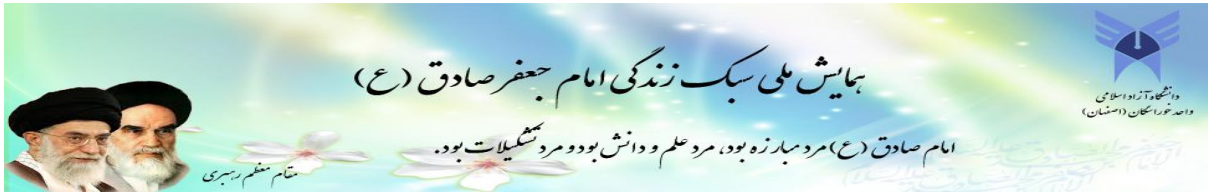
ریاضی و سومی را علوم الهی و اعلا گفته‌اند. پس کلیه علوم تربیتی از حکمت سرچشمه می‌گیرد و به اصول و فروع علمی تقسیم و تعبیر می‌شود. علم، علم است و دانش کشف حقایق است. قدیم و جدید و نو و کهنه ندارد. نهایت مقدار و میزان ادراکات بشر در هر عصر، به اختلاف شرایط زمان و مکان بوده و به وجود و عدم وسایل و سلاح عصری تجزیه و تحلیل و شدت و ضعف می‌یابد.^۱

امام جعفر صادق (ع) موجودات را از نظر تکوین خودشان در خواص طبیعی به صورت طاهر و باطن موجودیت مورد بحث قرار می‌دادند و برای هر یک از آن مواد و عناصر و موالید مسائلی طرح می‌کردند و روی طبقه‌بندی و کلیات بحث می‌فرمودند و نتیجه می‌گرفتند که همه در محور توحید و خداشناسی و تسبیح و تحمید و تهلیل و تقدیس حق دور می‌زدند. و حتی جماد و نبات و حیوان در ترکیب و تجزیه و خواص و غیره در حال عبادت او اطاعت تکوینی می‌باشند.^۲

علمی که امام صادق (ع) موضوع بحث قرار داده بودند در درجه اول فقه و تفسیر و الهیات و علل الشرایع و احکام و توحید الهی بود و ظهور و بروز این علوم در عمل صالح و تقوی منعکس می‌شد و اسرار طبیعت و عجایب کون و اطوار مختلف و دسته‌جات و طبقات نباتات و تکامل انواع حیوانات و تحلیل اجسام مادی و ترکیب عنصری آنها و مجاری افلاک و سیارات و ثوابت و غرائب و عجائب عالم وجود و ترکیب انسان و منافع اعضای او و تحولات مزاجی او و آنچه در عالم کون و فساد موجود است، همه آنها را نماینده توحید و دلیل حکمت و تدبیر الهی می‌دانستند و روی مبانی وجودی و خواص و آثار و عوامل موجودیت آنها بحث می‌فرمودند.^۳

در رشته‌ی فلسفه و حکمت حضرت صادق (ع) همیشه با اصحاب و حتی کسانی که از دین و اعتقاد به خدا دور بودند مناظراتی داشته‌اند. نمونه‌ای از بیانات امام (ع) که در اثبات وجود خداوند حکیم است، به یکی از شاگردان و اصحاب خود به نام «مفضل بن عمر» می‌باشد که در کتابی به نام «توحید مفضل» هم اکنون در دست است. مناظرات امام صادق (ع) با طبیب هندی که موضوع کتاب «اهلیلجه» است نیز نکات حکمت‌آموز بسیاری دارد، که گوشه‌ای از دریای بیکران علم امام صادق (ع) است.^۴

۱. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۳، ص ۶.
 ۲. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۳.
 ۳. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۳.
 ۴. احمد احمدی بیرجندی، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص ۱۶۳ - ۱۶۴.



گستاوولوبون، مستشرق معروف فرانسوی می گوید: « مسلمین در تمام علوم و فنون تا آن درجه بر نصاری مزیت داشتند که با وجود تعدیات و فشارهای سخت، در هر پیشه و شغلی در درجه‌ی اول قرار گرفته بودند».^۱

سید محمد صادق(ع) ، استاد دانشکده ادبیات در قاهره می گوید:

« بیت جعفر صادق(ع) مثل یک دانشگاه همواره از بزرگان و علما در رشته‌های مختلف علوم چون حدیث، تفسیر و حکمت پر بود. در مجلس درسش بیش از دو هزار نفر و گاهی چهار هزار نفر از علمای مشهور حاضر می‌شدند. شاگردانش تمام درس‌ها و احادیث او را در مجموعه‌ای از کتاب‌ها جمع‌آوری کرده‌اند که به مثابه دایرة المعارفی برای مذهب شیعه یا مذهب جعفری شمرده می‌شود».^۲

۴.۴. مکان تشکیل کلاسهای دانشگاه امام صادق(ع)

باید در نظر گرفت که در آن دوره مدرسه و مسجد از هم قابل تفکیک نبوده‌اند و همواره علم و دین به هم آمیخته بوده‌اند و غیر قابل انفکاک و تجزیه‌اند، لذا امام محمدباقر(ع) و امام صادق(ع) ، مسجد پیامبر(ص) را، محل تدریس خویش قرار دادند.^۳

۵.۴. زمان تشکیل کلاسهای دانشگاه امام صادق(ع)

کلاس‌های این دانشگاه مجالسی بود که پس از نماز صبح تشکیل می‌شده یا بعد از نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و در سفر و حضر دائر و برقرار بوده است.^۴

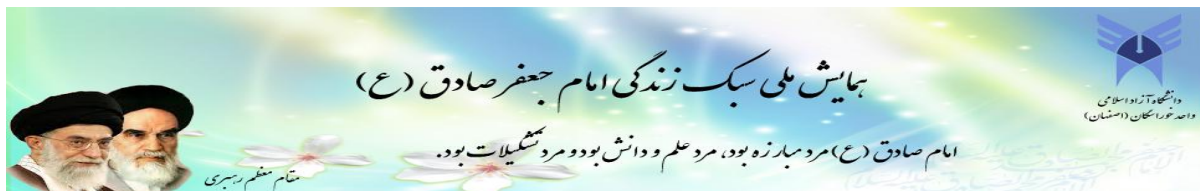
۶.۴. کلاس اول، دوم،

۱. محمود داوری، (۱۳۸۴)، صمیمانه با اهل بیت(ع) (صادق آل محمد رئیس مکتب تشیع)، نوراسلام، ص ۴۳- ۴۴.

۲. مهدی لطفی، امام صادق(ع) از دیدگاه اهل سنت، ص ۴۲.

۳. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق(ع)، جلد ۲، ص ۱۹۹.

۴. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق(ع)، جلد ۳، ص ۴۶۷.

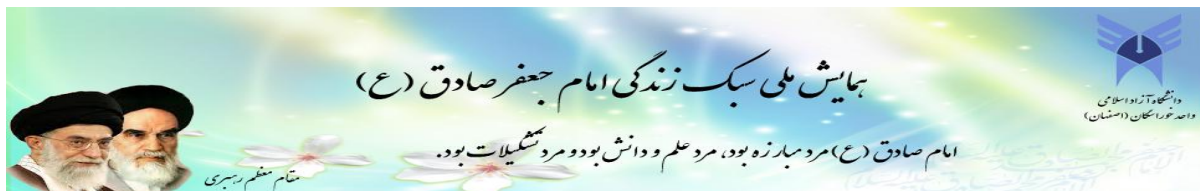


حضرت امام جعفر صادق(ع) برای رساندن معانی از حروف و الفاظ و کلمات شروع فرمودند. چرا که این کلمات نماینده معانی هستند و حروف و الفاظ واسطه انتقال احساسات و ادراکات می باشند. آموزنده مدرسه جعفری از حروف و کلمات شروع کردند تا معانی و احساسات را به مردم تعلیم دهند و این آغاز ادب و آداب و ادبیات است. از طرف دیگر در مرحله و کلاس بالاتر از اعداد شروع نمودند، تا حاصل جمع و تفریق و ضرب و تقسیم و جذر و کعب و جبر و مثلثات را به دیگران بیاموزند و آن را مقدمه ریاضیات قرار دادند و علوم ریاضی و فلکی را به مسلمین آموختند. در کلاس های بالاتر، رشته دیگر اعداد و حروف را با هم به مقایسه و مقابله قرار داده و تبدیل عدد به حروف و تبدیل حروف به اعداد و تعیین جداول و اعمال اصلی حساب و جبر را به دانش آموزان آموختند، تا از علوم غریبه و رمل و جفر و طلسمات و اوفاق و اقسام حروف سخن گفته و علوم مختلفه غریبه ریاضی را تعلیم فرمایند. با این مقدمات ابتدائی، در کشف علوم طبیعی و طب از راه گیاه شناسی و جانورشناسی پرداخته و در فلزات و اجسام و عناصر راهنمایی فرمودند و امکان تبدیل جسم به نیرو را و فلز به فلز دیگری را بیان می کردند.^۱

نتیجه گیری

پیشوایان معصوم در سخت ترین شرایط لحظه ای از روشنگری باز نایستادند و به هر وسیله ممکن به نشر فرهنگ اسلام پرداختند، تاسیس دانشگاه اسلامی به دست امام باقر (ع) آغاز، و توسط امام صادق (ع) تکمیل گردید، زیرا در عصر وی بنی امیه کلاً نابود گردیدند و بنی عباس که خود دشمن خون آشام اهلبیت بودند به جهت تازه کار بودن و نداشتن استقرار سیاسی، نتوانستند سد مهمی در برابر آن حضرت ایجاد کنند، از این رهگذر امام صادق(ع) توانستند دانشگاه خود را آنچنان بارور سازند که حتی در قرن بیستم نظیر آنرا در جهان تسخیر فضا سراغ نداریم. تعداد رشته های علمی که در آن دانشگاه تدریس می شد به ۵۰۰ رشته می رسید، و تعداد شاگردان آنرا چهار هزار نفر و گاه بیشتر دانسته اند. در اینجا باید توجه نمود، که ما به عنوان شیعه امامیه آنچه را که امام صادق(ع) به کار

^۱. حسین عمادزاده، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق(ع)، جلد ۱، ص ۱۱-۱۲.

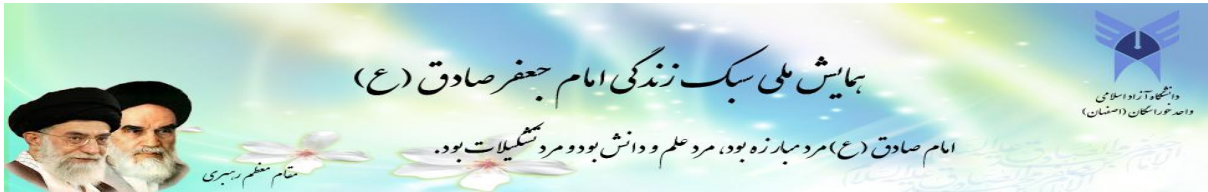


بسته اند، باید مورد استفاده قرار دهیم، تا همواره بتوانیم آنچه را که اسلام در آن زمان بدان توفیق یافته است را امروز نیز به دست آوریم و بدین وسیله نام اسلام را بیش از پیش بلند و پرآوازه نمائیم.

ان شاء الله

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. احمدی امیر حسن ، (۱۳۸۴) ، آفتاب تشیع (نگرشی بر زندگانی رئیس مذهب تشیع حضرت امام جعفر صادق (ع)) ، ناشر: سرزمین باران.
۳. احمدی بیرجندی احمد ، (۱۳۸۶) ، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع) ، ناشر: انتشارات آستان قدس رضوی.



۴. ادیب عادل ، (۱۳۶۱) ، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، مترجم: اسدالله مبشری، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. جمعی از عالمان لبنان، (۱۳۸۳) ، زندگانی حضرت امام جعفر صادق(ع)، ناشر: عابد.
۶. خامنه ای سید علی حسینی ، (۱۳۸۵) ، پیشوای صادق، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۷. داوری محمود ، (۱۳۸۴) ، صمیمانه با اهل بیت(ع) (صادق آل محمد رئیس مکتب تشیع) ، ناشر: نوراسلام
۸. رحیمی مهدی و طاهر خوانی عبدالله ، (۱۳۸۵) ، برگزیدگان ، جلد ۲، ناشر: واحد کودکان و نوجوانان بنیاد بعثت.
۹. رفیعی علی ، (۱۳۸۳) ، تاریخ اسلام در عصر امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) ، ناشر: انتشارات تحسین.
۱۰. صدری فرخ ، (۱۳۸۶) ، تاریخ انبیا و تاریخ چهارده معصوم(ع) ، ناشر: نقش نگین.
۱۱. عظیم زاده طهرانی طاهره ، ابن ابی العوجا و امام صادق(ع) .
۱۲. مدرس بستان آبادی محمد باقر ، (۱۳۸۵) ، خانه های ماذون در شرح حال چهارده معصوم(ع) ، ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۳. علوی سید محمد ، (۱۳۸۸) ، زندگانی چهارده معصوم(ع) ، ناشر: انتشارات نغمات.
۱۴. علیدوست خراسانی نور الله ، (۱۳۷۸) ، پرتویی از زندگانی امام صادق(ع) ، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. عمادزاده حسین ، مجموعه زندگانی چهارده معصوم(ع) ، جلد ۲، ناشر: مکتب قرآن.
۱۶. عمادزاده حسین ، (۱۳۶۲) ، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق(ع) ، جلد ۱، ناشر: گنجینه محمد.
۱۷. عمادزاده حسین ، (۱۳۶۲) ، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق(ع) ، جلد ۲، ناشر: گنجینه محمد.
۱۸. عمادزاده حسین ، (۱۳۶۲) ، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق(ع) ، جلد ۳، ناشر: گنجینه محمد.
۱۹. لطفی مهدی ، امام صادق(ع) از دیدگاه اهل سنت، ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.



۲۰. مغنیه احمد، الإمام جعفر الصادق، مترجم: سید جعفر غضبان، ناشر: چاپخانه خاور.
۲۱. مجلسی محمد باقر، (۱۳۷۷)، ترجمه جلد یازدهم بحار الانوار (در زندگانی: حضرت امام جعفر صادق (ع))، مترجم: موسی خسروی، ناشر: کتابفروشی اسلامیة، تهران.
۲۲. مظاهری حسین، (۱۳۸۵)، زندگانی چهارده معصوم (ع)، ناشر: پیام آزادی.
۲۳. مظفر محمد حسین، (۱۳۸۶)، امام صادق (ع)، جلد ۲، مترجم: سید محمد حسینی بهارانچی، ناشر: عطر عترت.
۲۴. منشی محمود، (۱۳۵۷)، صادق آل محمد (ص)، ناشر: اشرفی.
۲۵. منصوری خلیل، امام صادق (ع) و اولویت جهاد فرهنگی، برگرفته از: ماهنامه کوثر.
۲۶. موسوی کاشانی سید محمد حسن، (۱۳۷۹)، بر امام صادق (ع) چه گذشت؟، ناشر: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. میر عظیمی سید جواد، (۱۳۸۰)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، ناشر: مجمع متوسلین به آل محمد (علیهم السلام).